سالگرد

## عرضه آثار شهید آوینی با ۲۰ درصد تخفیف

محمود هاشمی، مدیر فروشگاه‌های سوره گفت: به مناسبت سالروز شهادت سید مرتضی آوینی، نویسنده و مستندساز متعهد و متفکر انقلاب اسلامی، فروشگاه کتاب اقدام به برگزاری طرح تخفیف مناسبتی کرده است، در این طرح، تمامی آثار این شهید اهل قلم با تخفیف ۲۰ درصدی در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد.

او افزود: شهید آوینی با نگاهی عمیق، متفاوت و انسان‌ساز به مقولات فرهنگ، جهاد، شهادت و هنر دینی، آثار ماندگاری از خود به جاگذاشت که هنوز هم راهگشای نسل امروز در مسیر درک حقیقت انقلاب و مفاهیم متعالی آن است.

نوشته‌های او، از جمله مجموعه مقالات «آینه جادو» و «فتح خون»، با زبانی صمیمی اما عمیق، مخاطب را به تأملی جدی درباره حقیقت، زیبایی و معنای زندگی دعوت می‌کنند.

به همین مناسبت، میز تخصصی آثار شهید آوینی در فروشگاه برپا شده تا مخاطبان بتوانند با مجموعه‌ای از کتاب‌ها، مقالات و گفتارهای این شهید آشنا شوند و فرصتی دوباره برای خواندن و بازخوانی اندیشه‌های او داشته باشند.

روایتی برگرفته از زندگی شهید سید رسول حسینی
فرمانده محور اطلاعات و عملیات لشکر نجف اشرف

# شاگرد ممتاز دانشگاه جنگ

زهرا شکراللهی
گروه پایداری

کوچک سادات نشست کنار کرسی. دسته‌دسته گیس‌های بافته شده‌اش را باز می‌کرد. درد تو کمرش جوانه زده بود. نه ماه تمام صبر کرده بود تا روز دهم آذر سال ۱۳۳۶ شود. کیسه نمک و قیچی کوچک که مادرش از سفر مکه آورده بود را گذاشت روی کرسی. قابله گفته بود: «سنجاق به پر چارقد بزن تا بچه زودتر به دنیا بیاد.» سید محمدرضا در اتاق چوبی را باز کرد. صورت به عرق نشسته و آهیخته کوچک سادات را دید. عبا و عمامه‌اش را درآورد. سریع از اتاق بیرون رفت تا کوچک سادات گیس‌هایش را کامل باز کند و دوباره چارقدش را سر کند. سید تمام خیابان لشکری نجف‌آباد را دویده بود تا دم در خانه قابله محله. غروب گذشت، شب به نیمه نشست. کوچک سادات سومین پسرش را به دنیا آورد. بعدها که هر سه پسرش شهید شدند، فقط به صورت سیدمحمدرضا زل زده بود. چشمان بی‌فروغش را به در اتاق رو به قبله دوخته بود. سیدمحمدرضا اذان صبح مسجد محله را با اذان به دنیا آمدن سید رسول یکی کرد. بچه را سید رسول خطاب کرد.

### در گرماگرم انقلاب

رسول قد کشید و دانشگاه صنعتی اصفهان رشته مهندسی عمران قبول شد. گرماگرم انقلاب بود که سرکرده اعتصاب‌کنندگان دانشگاه شد. کلاس به کلاس سرک کشید. کلاس‌ها را به تعطیلی و اعتصاب کشاند. انقلاب که پا گرفت رسول جا گرفت. همراه دانشجوها به مناطق محروم می‌رفت.

روزی زنگ خانه کوچک سادات به صدا درآمد، در که باز شد؛ رسول با لباس‌های پاره پاره، گرد و خاکی تو آستانه در خانه آشکار شد. کوچک سادات چشم خیره‌ای به رسول رفت رسول خودش را عقب کشید. خواست که توضیح بدهد: «باید سیمان‌ها را خودم تحویل می‌گرفتم، یک کامیون پر از کیسه سیمان...» کوچک سادات دیگر نایستاد که حرف‌ها و بهانه‌های رسول تمام شود. چند روزی گذشت سر و کله رسول پیدا نبود؛ تا از اهواز زنگ زد و گفت: «همراه دکتر چمرانم؛ باید به سوسنگرد بروم.» دیگر پدر و مادر رسول فهمیده بودند که این پسر پا بست نجف‌آباد نخواهد شد. بعد از فرمان امام برای تشکیل جهاد سازندگی به جهادگران شهرستان نجف‌آباد پیوست.

### هفت خشاب پر

چند روز بعد از شروع عملیات بیت‌المقدس، سید رسول همراه بچه‌های لشکر نجف اشرف به دو قدمی خرمشهر رسید. کوله پشتی بیسیم را به دوشش بسته بود. بچه‌های محور را قدم به قدم جلو می‌برد. خشاب اسلحه کلاش را جازد، دراز کشید کنار نخل‌های منتهی به خرمشهر. هفت خشاب پر را با حوصله خالی کرد. سرش را که بالا آورد نزدیک ظهر بود به عادت همیشگی کمی که خط را آرام دید، سرش را کنار گونی شنی تو سایه نخل‌ها روی زمین گذاشت. زیر صدای انفجار، گرد و خاک‌ها، سوختن درخت نخل‌ها ۱۰ دقیقه‌ای خواب رفت. همرزمش عباسعلی کنار نخلستان شروع به گفتن اذان کرد. سیدرسول از جا جست به لحظه‌ای وضو گرفت و نماز جماعت قبل فتح خرمشهر را خواند.

پای رسول که به مسجد جامع خرمشهر رسید دلش برای مسجد جامع نجف‌آباد پر کشید. بعد از عملیات که بچه‌های لشکر مرخصی رفتند رسول برگشت. به اصرار پدرش به دانشگاه رفت و دوباره ثبت‌نام کرد. مسئول ثبت‌نام گفت: «این بار غیبت کنی اخراجی.» رسول گوشه چشمش را خاراند حرفش را مزه مزه کرد، گفت: «برمی‌گردم به دانشگاه جنگ، اونجا اگر اخراج بشیم معراجی می‌شیم.»

### فریاد رسول

رسول دیگر کبوتر جَلد بچه‌های لشکر تازه تاسیس نجف اشرف و حاج احمد کاظمی شده بود. اوایل سال ۱۳۶۲ بود. بچه‌های محور که سید رسول فرمانده‌شان بود در قرارگاه شهدای مهران مستقر بودند. تویوتاهای جهاد، نیروهای جدید تازه نفس می‌آوردند. بچه‌ها را سازماندهی کرد رسول کوله‌پشتی از مهمات به دوش انداخت، خشاب‌هایی از گلوله‌های کلاشینکف به کمرش بسته بود. بچه‌های محور را به خط کرد. فریادی کشید که شهر مهران زیر پایش لرزید. نیروها از شهر خارج شدند برای غافلگیری دشمن. بچه‌های محور ادامه راه بیرون شهر را پیاده طی کردند. تاریکی وحشتناک صدای انفجارهای مهیب از بیرون شهر مهران به گوش می‌رسید. تا دم صبح پاتک سنگین بود. سیدرسول نیروهای محورش را کنار درختان نشاند؛ جیره صبحانه‌شان را خوردند. تا نزدیک ظهر مقاومت کردند. تیربار پشت درختان را جا دادند. همین که هلیکوپتر عراقی بالای سر محور رسید، تیربارچی‌ها امان ندادند. بعد از چند بار شلیک هلیکوپتر دور خودش چرخید همراه دود فراوان با صدای مهیب روی یکی از تپه‌ها سقوط کرد. فریاد الله‌اکبر سیدرسول تپه‌های کله قندی را درنوردید.

برش

## نبرد با مین‌های ضد نفر

والفجر چهار، شب ۲۸ مهرماه سال ۶۲ بود. رزمنده‌ها کیسه خواب جیره غذایی؛ خشاب پر مهمات را تحویل گرفتند. ارتش بعثی در هوشیاری کامل به سر می‌برد؛ دو ماهی بود که خندق‌هایی حفر کرده بود، منتظر شروع نبرد با ایرانیان بودند. آتش ارتش عراق سنگین و مدام می‌غرید. مرتب موشک‌های کاتیوشا و گلوله‌های خمپاره ۶۰ در لابه‌لای درختان تپه و ارتفاعات کنگرک منفجر می‌شد. رسول توی سنگر حفر شده دراز کشید؛ دوربین بایگیش روسی‌اش را درآورد به سه خندق حفر شده عراقی‌ها زل زد. تک تیرانداز عراقی‌ها منتظر کوچک‌ترین حرکت بود تا تیر خلاص را رها کند. مهندسی ارتش بعثی در بین علفزارها و بوته‌های تیغ اقدام به کاشتن مین ضد نفر کرده بود. عباسعلی رو به سیدرسول کرد: «لامذهب‌ها چقدر مین سیدی کاشتند.» سیدرسول بیسیم را روشن کرد: «احمد، احمد، رسولم خیلی تخم مرغ کاشتند.» خش ممتد بیسیم که تمام شد حاج احمد کاظمی پشت بیسیم گفت: «رسول، رسول، احمدم یکی یکی آب پزشون کن.» رسول رو به عباسعلی گفت: «اذان ظهر باید تپه و یال‌ها را تصرف کرده باشیم، بچه‌های گردان سمت راست تار و مار نشن.» شب از نیمه گذشته بود که کامیون ایفا ۱۱ تا جایی که راه داشت بچه‌های محور رسول را برده بود جلو. رزمنده‌ها پیاده شدند منطقه زیر آتش دشمن بود. تاریکی، بوی سوختن درختان، دود و سیاهی همه را آزار می‌داد. دو تا از رزمنده‌ها که مجروح شدند، رسول گفت: «سوار قاطر کنید و برگردانید.» سپیده هنوز ندمیده بود. آسمان کیپ بود تاریکی جولان می‌داد. ارتفاعات کنگرک فتح نشده بود. رسول سر دسته محور ایستاد جلوتر از همه قدم برمی‌داشت. چراغ قوه‌اش را درآورد، مین‌های نامنظم زیر درختچه‌ها پنهان بودند. اولین مین خنثی شد. رسول از جلو می‌رفت، رزمنده‌ها از پشت سرش در یک خط مستقیم قدم برمی‌داشتند جای تعلل نبود. اولین تپه را فتح کردند تمام حواس رسول به مین‌ها بود. صدای انفجار چند نفر را موجی کرد. رسول جلوتر از بچه‌های محور می‌رفت تا زانوی کسی نلرزد. نرسیده به دومین تپه گلوله تانک ارتش بعث عراق طلاییه لشکر نجف را نشانه رفت، رسول و چند نفر از بچه‌ها در دم جان سپردند. دشت شیلر و ارتفاعات کنگرک تصرف شد؛ ارتش عراق هزار متر عقب‌تر رفت. بی‌سیم کوله پشتی رسول روشن شد: «رسول، رسول، احمدم، تخم مرغ‌های آب پز برای صبحانه کافی بود.» چیزی جز صدای بوق ممتد و خش دست حاج احمد کاظمی را نگرفت. حاج احمد ادامه داد: «از ارتفاعات گذشتیم.»

### حل سودوکو ۴۸۴۵

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۵ | ۹ | ۳ | ۴ | ۸ | ۶ | ۱ | ۲ | ۷ |
| ۲ | ۶ | ۷ | ۳ | ۱ | ۵ | ۸ | ۴ | ۹ |
| ۴ | ۱ | ۸ | ۹ | ۷ | ۲ | ۳ | ۵ | ۶ |
| ۷ | ۳ | ۱ | ۶ | ۵ | ۴ | ۹ | ۸ | ۲ |
| ۶ | ۸ | ۲ | ۱ | ۳ | ۹ | ۵ | ۷ | ۴ |
| ۹ | ۴ | ۵ | ۸ | ۲ | ۷ | ۶ | ۱ | ۳ |
| ۳ | ۵ | ۶ | ۷ | ۴ | ۱ | ۲ | ۹ | ۸ |
| ۸ | ۲ | ۴ | ۵ | ۹ | ۳ | ۷ | ۶ | ۱ |
| ۱ | ۷ | ۹ | ۲ | ۶ | ۸ | ۴ | ۳ | ۵ |

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۶ | ۵ | ۱ | ۳ | ۷ | ۴ | ۹ | ۸ | ۲ |
| ۸ | ۷ | ۴ | ۱ | ۲ | ۹ | ۵ | ۶ | ۳ |
| ۳ | ۲ | ۹ | ۶ | ۵ | ۸ | ۴ | ۷ | ۱ |
| ۵ | ۹ | ۲ | ۷ | ۸ | ۱ | ۳ | ۴ | ۶ |
| ۴ | ۸ | ۶ | ۲ | ۹ | ۳ | ۷ | ۱ | ۵ |
| ۱ | ۳ | ۷ | ۵ | ۴ | ۶ | ۸ | ۲ | ۹ |
| ۷ | ۱ | ۳ | ۴ | ۶ | ۵ | ۲ | ۹ | ۸ |
| ۲ | ۶ | ۵ | ۹ | ۳ | ۷ | ۱ | ۸ | ۴ |
| ۹ | ۴ | ۸ | ۲ | ۱ | ۱ | ۶ | ۵ | ۷ |

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۸ | ۳ | ۴ | ۶ | ۷ | ۹ | ۵ | ۱ | ۲ |
| ۱ | ۵ | ۲ | ۳ | ۴ | ۸ | ۶ | ۷ | ۹ |
| ۶ | ۹ | ۷ | ۲ | ۵ | ۱ | ۸ | ۴ | ۳ |
| ۷ | ۲ | ۹ | ۱ | ۶ | ۴ | ۳ | ۵ | ۸ |
| ۵ | ۸ | ۶ | ۷ | ۹ | ۳ | ۲ | ۱ | ۴ |
| ۳ | ۴ | ۱ | ۸ | ۲ | ۵ | ۹ | ۶ | ۷ |
| ۲ | ۷ | ۵ | ۴ | ۸ | ۶ | ۱ | ۹ | ۳ |
| ۴ | ۱ | ۸ | ۹ | ۳ | ۷ | ۶ | ۲ | ۵ |
| ۹ | ۶ | ۳ | ۵ | ۱ | ۲ | ۴ | ۸ | ۷ |

برای حل جدول اعداد باید در هر مربع کوچک‌تر ۳ در ۳ هیچ عدد تکراری وجود نداشته باشد.
همچنین هیچ عددی در یک سطر یا ستون مربع بزرگ ۹ در ۹ تکرار نشده باشد.

### سودوکو ۴۸۴۶

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| | | | ۸ | ۳ | ۱ | | | |
| | | ۷ | | ۹ | | ۳ | | |
| | ۳ | | | ۶ | | | ۲ | |
| ۴ | | | | | | | | ۲ |
| ۱ | ۲ | ۳ | | ۴ | | ۵ | ۶ | ۷ |
| ۹ | | | | | | | | ۳ |
| | ۸ | | | ۵ | | | ۷ | |
| | | ۱ | | ۲ | | ۴ | | |
| | | | ۱ | ۸ | ۴ | | | |

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| | | | | | | | | |
| | | | | | | | | |
| | | | | | | | | |
| | | | | | | | | |
| | | | | | | | | |
| | | | | | | | | |
| | | | ۴ | | ۳ | | | |
| | | | | | | ۱ | | |
| | | | | | | ۴ | | |

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| | | | ۹ | ۱ | ۴ | | | |
| | | ۱ | | ۷ | | ۹ | | |
| | ۴ | | | ۶ | | | ۵ | |
| ۴ | | | | | | | | ۱ |
| ۷ | ۱ | ۳ | | ۹ | | ۵ | ۶ | ۲ |
| ۵ | | | | | | | | ۷ |
| | ۵ | | | ۴ | | | ۷ | |
| | | ۶ | | ۳ | | | | |
| | | | ۷ | ۸ | ۶ | | | |

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| | | | ۴ | ۷ | ۶ | | | |
| | | ۵ | | ۳ | | ۷ | | |
| | ۴ | | | ۵ | | | ۱ | |
| ۵ | | | | | | | | ۴ |
| ۳ | ۷ | ۹ | | ۴ | | ۲ | ۸ | ۱ |
| ۸ | | | | | | | | ۵ |
| | ۵ | | | ۹ | | | ۷ | |
| | | ۶ | | ۲ | | ۸ | | |
| | | | ۷ | ۶ | ۳ | | | |

گزارش عملکرد امداد خودرو سایپا در نوروز؛

## ارائه خدمات نوین امدادی به مشتریان

طرح خدمات و امداد نوروزی ۱۴۰۴ سایپا، که از ۲۷ اسفند ماه سال گذشته آغاز و در ۱۵ فروردین ماه پایان یافت، با هدف بهبود خدمت‌رسانی و کاهش زمان انتظار مشتریان اجرا شد.

به گزارش سایپانیوز، این طرح با ثبت ۱۰۳،۱۳۸ تماس از طریق کانال‌های مختلف ارتباطی مانند مرکز تماس و اپلیکیشن موبایل، خدمات گسترده‌ای به مشتریان سایپا و سایر مسافران نوروزی ارائه داد.

با افزایش ۱۲ درصدی ناوگان امدادی، نوسازی پایگاه‌های شبانه‌روزی با شارژر خودروهای برقی، راه‌اندازی انبارهای سیار برای تأمین قطعات و بهینه‌سازی فرآیندها، زمان انتظار مشتریان برای دریافت خدمات امدادی را به ۳۲ دقیقه کاهش یافت.

همچنین، با تعمیر ۷۲ درصد خودروها در محل، رضایت‌مندی مشتریان به ۹۲/۸ درصد رسید. این طرح با پوشش جغرافیایی وسیع، حتی به مشتریان سایر خودروسازان نیز خدمات ارائه کرد و جایگاه سایپا را در خدمات پس از فروش تقویت نمود. استفاده از فناوری‌های نوین در نظارت با مشارکت مردمی، همکاری با نهادهایی مانند پلیس راهور و هلال احمر، مشارکت در پویش «نه به تصادف» و برگزاری جشنواره تخفیفی خدمات در محل از دیگر ویژگی‌های این طرح بود. اجرای موفق این طرح نشان‌دهنده تعهد سایپا به ارائه خدمات سریع و مشتری‌محور است که اعتماد و رضایت مشتریان را به دنبال داشت.

آگهی تمدید مناقصات عمومی
یک مرحله‌ای با ارزیابی فنی با بازرگانی
تامین‌کنندگان
شرکت ایران خودرو خراسان در نظر دارد موارد اشاره شده در جدول ذیل را از طریق مناقصه عمومی در قالب ۲ مناقصه به صورت مجزا، از تامین‌کنندگان واجد شرایط خریداری نماید.

| ردیف | موضوع مناقصه | شماره مناقصه | سپرده شرکت در مناقصه (ریال) |
|---|---|---|---|
| ۱ | خرید ۱۷ دستگاه انواع الکتروموتور گیربکس نرمزدار و ۶ عدد ترمز الکترو موتور | ۳۵۳۳ | ۱،۵۰۰،۰۰۰،۰۰۰ |
| ۲ | خرید ۷ آیتم اقلام یدکی اطلس کوپکو | ۳۵۳۴ | ۲۵۰،۰۰۰،۰۰۰ |

متقاضیان می‌توانند جهت دریافت، تکمیل و تحویل اسناد مناقصه (یک یا هر دو مناقصه) تا تاریخ ۱۴۰۴/۰۱/۳۱ به شرح ذیل اقدام نمایند.
۱- نحوه دریافت اسناد مناقصه: به صورت حضوری از واحد بازرگانی ایران خودرو خراسان در روزهای کاری از ساعت ۸ الی ۱۵ و یا از طریق سایت اینترنتی www.ikkco.ir و یا تماس با شماره‌های تلفن (۰۵۱-۳۳۵۶۳۰۵۰) و (۰۵۱-۳۳۵۶۳۵۰۱-۹ داخلی (۴۰۲۱))
۲- محل دریافت و تحویل اسناد مناقصه: شرکت ایران خودرو خراسان کیلومتر ۵۵ جاده مشهد- نیشابور، دبیرخانه کمیسیون معاملات در روزهای کاری از ساعت ۸ الی ۱۵
لازم به توضیح است تاریخ بازگشایی پاکات الف و ب در روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۰۳ ساعت ۹ صبح می‌باشد.
(شرکت ایران خودرو خراسان در رد یک یا کلیه پیشنهادات و اصله مختار است.)
(هزینه درج آگهی روزنامه بر عهده شرکت ایران خودرو خراسان است.)
ارتباطات و امور بین‌الملل